

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه پنجم، ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

موضوع: فقه المشاورة/ مبانی بحث فقه المشاورة / تاریخچه مشاوره

### 1- حدیث اخلاقی (عوامل فساد و صلاح اخلاق)

بنای ما بر این است که از روایاتی استفاده کنیم که بوی مشاوره، یا دستورهای مشاوره‌ای هم از آن بیاید. امروز در محضر امام العرفاء و امام سالکین و امیر قرآن و برهان و عرفان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستیم. کلامشان واقعا قابل دقت است. امیر الأئمه هستند و کلامشان امیر است.

حضرت فرمودند: «فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمُعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ وَ صِلَاحُ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ وَ الْخَلْقُ أَشْكَالٌ فَكُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ [1]». »

#### 1-1-1، همنشینی با کم‌خردان، عامل فساد اخلاق

«فساد الأخلاق بمعاشرة السفهاء»؛

انسان در صورتی که با سفهاء و آنانی که کم‌خرد هستند و عقل کاملی ندارند، معاشرت داشته باشد، اخلاق و درونش فاسد می‌شود؛ گاهی سفیه، اجتماعی است، گاهی عقیدتی است و گاهی مطلق. همان‌طور که کج اخلاقی‌های سیاسی ضربه می‌زند، در خانواده و جامعه نیز همین است. مشاور هم نباید جزو سفهاء باشد. باید جزو دانشمندان باشد.

#### 1-1-2، هم‌نفسی با عقلا، عامل اصلاح اخلاق

«و صلاح الأخلاق بمنافسة العقلاء»؛

در پرهیز می‌گویند حتی رفت و آمد نکن. در صلاح می‌فرمایند صلاح اخلاق به هم‌نفسی با عقلا است. هم‌نفس، معاشر خاص است، نه عام. آن قدر رفت و آمد می‌کند که یار و یاور می‌شود. عقلا است نه علماء. نسبت بین عالم و عاقل، عموم و خصوص مطلق است. هر عاقلی، عالم هست، ولی هر عالمی، عاقل نیست.

عاقل کیست؟ «العاقل يكفيه الاشارة». از امام صادق (علیه السلام) در مورد عقل سؤال کردند؛ حضرت فرمودند: «مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ [2]». «عقل آن است که ما را عبد کند و ما را به بهشت (در صورتی که جنان باشد)، یا دل (در صورتی که جنان باشد) برساند. هر کس ما را دعوت به خدا کرد، عاقل است. هر کس دعوت به خویش کرد، عاقل

نیست و نباید با او هم نَفَس شد. اگر کسی دعوت به خودش کرد، عاقل نیست. عاقل همیشه دعوت به خدا می کند؛ هرچند عالم و صاحب نوشته باشد.

### 1-3-1، تأثیر شاکله بر عمل انسان

«و الخلق أشكال»؛

قیافه‌ی ظاهری، شکل‌های مختلفی دارد.

«فكل يعمل علی شاکلته»؛

شاکله‌ی هر کسی، ظاهر می‌سازد. «الظاهر تدل علی الباطن». علم و عمل، دو بال پرواز ما است. ما مرغ ملکوتی هستیم. پرواز ما به دو بال علم و عمل است. عمل است که کارساز است. علم، روح پرور است و پرورش جسم به کار است. وقتی می‌توان گفت روح سالم داریم که جسم مان هم حساب شده باشد. ظاهر و باطن دلالت بر هم دارد. خلق ما حاصل عمر ما است. در این حاصل عمر بکوشیم.

### 1-4- لزوم دعا برای پیروزی مردم غزه بر اسرائیل غاصب و توصیه به قرائت دعای مرزداران از

#### صحیفه‌ی سجادیه

سپاس گزار کسانی هستیم که امنیت را برای ما تأمین کردند، تا ما درس بخوانیم. در نمازهای تان برای مجاهدان در سراسر جهان دعا کنید؛ به خصوص مردم غزه. «اللهم انصر الإسلام و أهله وَاخْذُلِ الْكُفْرَ و أهله». دعای مرزداران صحیفه‌ی سجادیه مناسب است.

یکی از توصیه‌های ما به روان‌شناسان این است که صحیفه‌ی سجادیه را دریابند. از منابع مهم در مشاوره است.

### 2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث فقه المشاوره به این نتیجه رسیدیم که در مفهوم «شور» و «مُشاوَرَة» و بیان لغت و واژه‌ی «شور» و «مشورت» و «مشاوره» و «تشاور»، دو نکته‌ی مهم قابل استفاده است:

### 3- جمع‌بندی بررسی لغوی «مشاوره»

1. در لغت «شور»، کنجاوی هست. اصلش هم برای عسل است. وقتی عسل چیده شده از کندوهای خودساخته‌ی زنبور جمع می‌شود، عرب ماده‌ی «شور» را به کار می‌برد.

« 2. سُور»، همیشه بیان زشتی‌ها نیست؛ بلکه شوری شور است که نکته‌های ظریف ناگفتنی را بگوید. توصیه‌ی اخلاقی ما به همه‌ی مشاوران آن است که با توجه به لغت شور، این دو نکته را ملاحظه کنند.

نسبت مشاوره‌ی اسلامی و مشاوره‌ی خاص، عموم و خصوص مطلق است. به نظر ما هر کسی که برای آگاهی و کنجکاو‌ی و به دست آوردن یک نظر صائب یا عمل خوب مراجعه کند، صدق مشاوره دارد. در تاریخچه‌ی مشاوره‌ی اسلامی هم گفتیم که مشاوره از آغاز خلقت است.

#### 4-تاریخچه‌ی مشاوره

اعزای که مجازی دنبال می‌کنند، فرموده بودند مشاوره‌ای که الآن می‌شود، از کی شروع شده است؟

به نظر ما گرچه خارجی‌ها علم مشاوره را تأسیس کردند و در آکادمی‌ها آوردند و در حوزه هم آمد، ولی تاریخ مشاوره‌ی مصطلح هم از نیاز بشر ایجاد شده است. مشاوره، یک ضرورت است؛ چرا که بر مبنای نیاز است. فرقی ندارد که مراجعه‌ی فردی به دیگری برای مطلب علمی باشد، یا برای مطلب کاربردی.

تاریخچه‌ی مشاوره‌ی اصطلاحی فعلی را شاید دولتی به نام خود بزند، ولی تاریخ مشاوره، زمان مشخصی ندارد. چون چنین است، اصل مشاوره را به اصل خلقت متصل می‌کنیم. از کجا معلوم که حضرت آدم (علیه‌السلام) و حضرت حوا مشاوره نداشته‌اند. این هم که می‌گویند حضرت حوا از ضلع آدم (علیه‌السلام) آفریده شد، صحیح نیست. از نفس حضرت آدم (علیه‌السلام) آفریده شد.

مشاوره هم از زمان حضرت آدم (علیه‌السلام) بوده است. نسبت بین «مِن» ابتدائیه و بعدش، علت و معلول است. حضرت حوا در کمالاتش، معلول نفس واحده‌ی حضرت آدم (علیه‌السلام) است.

مشاوره، امتیازها را گرفتن و آسیب‌ها را برطرف کردن است. وقتی مشاوره از اصل خلقت بود، جناب حضرت حوا به حضرت آدم (علیه‌السلام) در مسائل مختلف مراجعه داشتند. بهترین مشاوره‌ها، مشاوره‌ی خانوادگی است. آغاز خلقت، آغاز مشاوره بود. مراجعه‌ی حضرت حوا به حضرت آدم (علیه‌السلام)، نخستین بوده است. امریکا و اروپا هم که تاریخ مشاوره را گفته‌اند، فرع این است. ما اسلام را ادامه‌ی همان حرکت حضرت آدم (علیه‌السلام) می‌دانیم.

---

[1]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٧٥، ص٨٢.

[2]الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج١، ص١١.